

دانشگاه در ایران

و

دشواریهای آن

تأسیس و ایجاد دانشگاه در ایران سابقه قدیم دارد. نخستین دانشگاه ایرانی در زمان شاپور اول (۲۴۱-۲۷۱) میلادی بنام گندشاپور یا بیت‌لاباط بنیاد شده است و محل آن در خوزستان در شرق شوش و جنوب شرقی دزفول و شمال غربی شوشتر کنونی بوده است. دانشگاه گندشاپور صدسال قبل از اسلام بزرگترین مرکز علمی و فرهنگی جهان بوده و تا اواخر قرن سوم هجری وجود داشته است. سپس در قرن پنجم خواجه نظام‌الملک مدارس متعددی در نیشابور، بلخ، هرات، خرگرد (خواف)، مرو، آمل، اصفهان، بصره، موصل و بغداد دایر کرد و مدرسه عالی یاد دانشگاه نظامیه بغداد را در سال ۴۵۹ هجری تأسیس کرد. پس از آن در ایران دانشگاهی تأسیس نگردید و تعلیمات مختلف دینی و علمی و ادبی بیشتر در مسجد، مکتب و مدرسه داده می‌شد و علم و دانش نیز در خانواده‌ها موروثی شده بود تا اینکه بر اثر همت و کاردانی میرزا تقی‌خان امیر کبیر مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۶۸ هجری قمری در تهران تأسیس و ۱۵ روز قبل از کشته شدن آن رادمرد میهن‌پرست افتتاح گردید و محصلین آن که اغلب فرزندان رجال و اعیان مملکت بودند در رشته‌های مختلف پیاده نظام، سواره نظام، توپخانه، مهندسی، پزشکی، جراحی، داروسازی و ممدن شناسی با تحصیل پرداختند. بر اثر تأسیس دارالفنون وزارت علوم (که بعداً بوزارت معارف و پس از آن بوزارت فرهنگ تغییر نام یافت) در سال ۱۲۷۲ تأسیس و علی‌قلی میرزا اعتضاد السلطنه رئیس دارالفنون بوزارت علوم منصوب گردید. تأسیس دارالفنون سبب گردید که عده‌ای از جوانان مستعد مملکت تحصیلات تخصصی خود را در آن بپایان برسانند و بفرار گرفتن زبان خارجی نیز بپردازند. آشنائی ایرانیان بزبان خارجی مقدمات مسافرت و رفت و آمد آنها را با فرنگیان فراهم کرد و مخصوصاً کتابهای مختلفی نیز از زبانهای خارجی بفراسی بر گردانده شد و موجب تنویر افکار و تحصیل بیشتر علوم جدید گردید.

اما دوره جدیدی که باید دوره تحول دانشگاه در ایران خوانده شود از خرداد ۱۳۱۳ هجری شمسی آغاز میگردد در این سال دانشگاه تهران قانوناً تأسیس و در محل فعلی سنگ بنای آن گذاشته شد و تا کنون رشته‌های حقوق، پزشکی، داروسازی، دندانسازی، دامپزشکی

فنی ، علوم ، ادبیات ، الهیات (معقول و منقول) ، علوم اداری و بازرگانی ، کشاورزی
تأسیس و تعداد ۱۳۳۲۶ (۱) نفر دانشجو و ۱۰۲۴ استاد و دانشیار و معلم بتعلیم و تعلم
در آن اشتغال دارند .

بعد از تأسیس دانشگاه تهران از سال ۱۳۲۶ بپیمددتدریجاً در شهرهای تبریز (۲)
شیراز ، مشهد ، اصفهان و اهواز دانشگاههایی ایجاد و دانشکده های طب ، کشاورزی ، علوم
فنی ، ادبیات داروسازی و معقول و منقول دایر گردید . جمع محصلین دانشکده های شهرستانها
۹۵۲۳ نفر و ۷۲۸ نفر نیز استاد و دانشیار و معلم بوده است . (دانشگاه ملی نیز ۲۶۳۵
نفر دانشجو داشته است) .

مجموع بودجه دانشگاه های ایران از محل درآمدهای عمومی و اختصاصی در سال
۱۳۴۳ بقرار زیر بوده است :

دانشگاه تهران ، با ضافه هزینه اجرای طرح فولتایم (تمام وقت) و بودجه مرکز تحقیقات
اتمی و مؤسسه تحقیقات اقتصادی ۶۶۸۵۲۱۰۰۰ ریال
دانشگاه پهلوی شیراز ۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال (معادل ۲۰۰ میلیون ریال نیز کم اضافه
شده است)

| | | |
|----------------|-----------|------|
| دانشگاه تبریز | ۱۲۵۶۵۰۰۰۰ | ریال |
| دانشگاه مشهد | ۵۷۱۲۰۰۰۰ | ، |
| دانشگاه اصفهان | ۶۷۳۰۰۰۰۰ | ، |
| دانشگاه اهواز | ۴۳۹۵۰۰۰۰ | ، |

در بودجه سال ۱۳۴۳ مملکت دورقم دیگر نیز بچشم میخورد و آن دو رقم یکی
بمبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰ ریال و مربوط به پرداخت حق الکشف کاشفین و پاداش مأمورین و هزینه
امحاء کشت خشخاش است و دیگری بمبلغ ۵۶۳۶۷۰۰۰ ریال هزینه اداره کل نظارت بر مواد
مخدره است . توضیح اینکه مصرف این هزینه های گزاف که هر کدام بتنهائی از بودجه کل
یک دانشگاه در سال افزونتر است و بازم متأسفانه در ایران خشخاش کاشته میشود و عده زیادی
از جوانان و مخصوصاً محصلین مملکت بمواد مخدره اعتیاد پیدا کرده اند مورد بحث ما نیست و
خود موضوع مقاله جداگانه تواند بود .

علاوه برداشجویانی که در دانشکده های ایران تحصیل میکنند گروه زیادی نیز
در خارج از کشور بتحصیل اشتغال دارند (در شماره یازدهم مجله مختصری از چگونگی وضع
تحصیلی آنان بنظر خوانندگان رسید) و همه ساله نیز چندین هزار دیپلمه خود را تا پشت درهای
دانشگاهها میرسانند و توفیق ورود پیدا نمیکنند و باتوسعه ای که در برنامه فرهنگ مملکت
پیش بینی شده این رقم در ده سال آینده بچند برابر افزایش خواهد یافت . زیرا آمار نشان
میدهد که از چهل سال پیش تا کنون تعداد محصلین مملکت ۲۴ برابر شده است و این رقم تا پنج
سال آینده قوس صعودی خود را خواهد پیمود . (مجموع محصلین ایران اعم از کود کستان ،
دبستان ، دبیرستان دانشسراها در سال تحصیلی ۱۳۰۳-۱۳۰۴ معادل ۱۴۷۵۰۶ نفر و

۱ - نشریه آمار عمومی وزارت کشور . اسفند ۱۳۴۲ صفحه ۳۴ .

۲ - تاریخ تأسیس دانشکده پزشکی تبریز ۱۳۲۶ شیراز ۱۳۲۸ مشهد ۱۳۲۸
اصفهان ۱۳۲۹ اهواز ۱۳۳۵ میباشد .

مجموع همین عده در سال تحصیلی ۳۹-۴۰ برابر با ۳۵۱۱۹۳۶ نفر بوده است. (نشریه آمار عمومی وزارت کشور ص ۳۵) نسبت محصلین دانشگاهی ایران (اعم از داخله یا خارجه) به جمعیت کل مملکت ۲ در هزار است و در ده سال آینده باید به ۵ در هزار برسد و لذا وزارت فرهنگ باید برای ۶۰۰۰۰ نفر دانشجویی که در سالهای آینده باید در دانشگاه درس بخوانند تامین محل بنماید. برای اینکار باید نقشه صحیح ترسیم و معلوم شود که احتیاجات آتی مملکت از لحاظ کادر متخصص چیست و مثلاً در ده سال آینده بچند نفر طبیب، مهندس و غیره احتیاج داریم آنوقت با توجه باین احتیاجات در ایجاد و گسترش دانشکده ها و دانشگاههای مجهز اقدام نمود.

مشکلات دانشگاههای ایران :

در دنیای متمدن کنونی دانشکده و دانشگاه بیک واحد بسیار مجهز علمی اطلاق میشود و یک دانشگاه بصورت یک شهر علمی درمیآید و همه وسائل تحصیل و تحقیق و زندگی در آن فراهم میگردد. لیکن متأسفانه در مملکت ما هنوز دانشکده و دانشگاه بمعنای حقیقی تشکیل و تکمیل نشده است و فقط مقدماتی برای آن فراهم آمده است و انتظار میرود که در سالهای آینده دانشکده کشاورزی اهواز یا دانشکده پزشکی شیراز بصورت یک دانشکده مجهز علمی و نمونه درآید.

هم اکنون در حدود بیست هزار نفر ایرانی در خارج دوران تحصیل دانشگاهی را میگذرانند و سالیانه در حدود دویست میلیون تومان ارز کشور را صرف هزینه تحصیل خود میکنند؛ در آینده و بتدریج باید ترتیبی داده شود که همه ساله حداقل یکدهم این محصلین بتوانند در دانشکدههای ایران ثبت نام نمایند و با پولی که بابت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم و هزینه تحصیل و غیره میپردازند باید در مملکت دانشگاه و دانشکده ایجاد کرد. البته با وضع فعلی و با دانشکدههای موجود بهیچوجه امکان ندارد و صلاح نیست که از رفتن همه محصلین بخارج جلوگیری بشود چون دانشکدههای ما نه مجهزند و نه گنجایش عده زیادی دانشجو دارند و تحصیل در بعضی از این دانشکدهها را صرفاً باید اتمام وقت شمرد. برای اثبات این مدعا دانشکده علوم یکی از شهرستانها را بنام شاهد مثال ذکر میکنیم. اجازه افتتاح این دانشکده در تابستان امسال توسط وزیر فرهنگ صادر شد و در اواخر تابستان روزی رئیس دانشکده که مردی علاقمند و پر کار است در دفتر آقای مهندس ریاضی رئیس مجلس شورای ملی که خود از اساتید فاضل و نخبه دانشگاه است آمد و خواهش کرد که برای افتتاح دانشکده بان شهرستان رهسپار شوند و اولین درس کلاس را نیز بدهند. آقای مهندس ریاضی این خواهش را پذیرفته گفتند اول بروید مقدمات کار را فراهم کنید و ترتیبی بدهید که دانشکده پس از افتتاح هم بتواند بکار خود ادامه دهد و مانند افتتاح آن چاه عمیق نباشد که روز افتتاح مقداری آب در آن ریختند و روز بعد از کار افتاد و اثری از آب در آن دیده نشد. آن رئیس دانشکده با همین نیت بازگشت و دانشکده را بدون فراهم بودن وسایل اولیه با اهتمام خود افتتاح کرد ولی آیا حقیقتاً خود ایشان از این وضع راضی است؟ مسلماً خیر. پس باید ترتیبی داده شود که دانشکدههای ما با

اعتبارات کافی و وسائل و لوازم ضروری اولیه شروع بکار کنند تا بتوانند متخصص و عالم تربیت کنند و تحویل اجتماع بدهند .

راه حل ممکن و پیشنهاد ما :

گفتیم در حال حاضر درشش نقطه ایران دانشکده و دانشگاه وجود دارد و اغلب این دانشکده‌ها در همه شهرها مشترکند یعنی دانشکده پزشکی یا ادبیات در همه این شهرهای شش گانه تأسیس شده است. برای همه این دانشکده‌ها وسائل مختلف آزمایشگاهی و غیره تا حد ممکن تهیه گردیده . در هر دانشکده يك كادر فنی ، دفتری و تعلیماتی بكار اشتغال دارد مثلاً درشش شهر ایران که دانشکده پزشکی دارند، شش رئیس دانشکده، شش معاون، شش دبیرخانه و... داریم و برای هر کدام از این واحدها مملکت متحمل مخارجی میشود. در صورتیکه اگر این شش دانشکده در دوشهر متمرکز میشد مخارج پرسنل و کادر به يك سوم تقلیل مییافت و با دوسوم صرفه جوئی مخارج ممکن میشد کادر تحقیقاتی و لوازم آزمایشگاهی را توسعه داد و دانشگاه را مجهزتر کرد .

امروزه مرکزیتی که در تهران از لحاظ دانشکده و دانشجو داده شده است خود مشکلاتی را برای دانشجو و دانشگاه فراهم آورده که تا کنون با سر پنجه تدبیر هیچ مدبری گره این مشکل گشوده نشده است در صورتیکه اگر طبق این پیشنهاد بتدریج دانشکده‌های مختلف و زائد را در تهران و شهرستانها تبدیل یا تعطیل کنند و بجای آن در هر نقطه مستعد يك تشکیلات دانشگاهی مجهز و آبرومند ایجاد نمایند ممکنست تا حد قابل ملاحظه ای مشکلات موجود برطرف گردد. مثلاً چه اشکالی دارد بجای دودانشکده معقول و منقول در تهران و خراسان يك دانشکده در شهر مذهبی خراسان باشد یا دانشکده پزشکی منحصراً در تهران و شیراز و دانشکده ادبیات ورشته باستان شناسی و حتی موزه ایران باستان و کتابخانه دانشکده ادبیات باصفهان که شهری باستانی و مستعد است منتقل گردد (برای نظارت و هم آهنگی آنها ممکنست در پایتخت برای هر يك از این دانشکده‌ها دفتری در دانشگاه تهران ترتیب داده شود) یا سایر دانشکده‌ها بشهرهای دیگر ایران منتقل شوند و تهران بادو یا سه دانشکده پزشکی؛ فنی و علوم بکار خود ادامه دهد. آنوقت بجای اینکه در کلاس هر دانشکده صد نفر دانشجو بپذیریم با توسعه اینکه دانشکده‌ها پیدا خواهند کرد میتوانیم پانصد دانشجو یا بیشتر بپذیریم. بدیهی است در آن صورت دانشجویانی که برای ادامه تحصیل عازم خارج هستند قانع خواهند شد که در دانشکده‌های مجهز مملکت خودمان بتحصیل اشتغال و روند. در این زمینه سخن بسیار است و بحث بیشتر موقوف بفرصت مناسبتری میشود.

وحدانی